

مفهوم جرم و مجازات

تاثیر زندان بر زندانی از نگاه آسیب‌شناسی

اقتباس موضوعی از مجموعه مقاله‌های (فاطمه هاشم نژاد)
ایما کرمی - کارشناس آسیب‌شناسی اجتماعی

این نتیجه تنها در محدوده‌ای قابل تعمیم است که وجدان و عرف اجتماعی بین مجازات و جرم تبادلی را حس کند. تنها در مواردی خواص افزایش مجازات باعث کاهش جرم می‌شود. در بیشتر موارد چنانچه مجازات افزایش بیشتری یابد، چه بسا میزان جرم هم افزایش پیدا کند. "ویزه" معتقد است که هر چه مجازات‌ها بیشتر و نیز احتمال کشف و کنترل رفتار انحرافی بالاتر باشد، احتمال کار انحرافی کاهش می‌یابد. او معتقد است که مجازات‌های مالی و اقتصادی موثرتر از زندان هستند زیرا مجازات زندان نه تنها چندان مناسب نیست، بلکه در موارد زیادی نیز تاثیر معکوس دارد.

"ساترلند" می‌گوید: یکی از ضعف‌های بزرگ و روش‌های قضایی عصر حاضر، تکیه‌ی مملو بر تهدید به وسیله‌ی مجازات کردن برای جلب نظر مردم به منظور احترام به قانون است. در حالی که هیچ‌گاه تا کنون با تهدید و ترس میسر نشده کسی با میل و صمیمانه‌ی وادار شود تا به آن چه که به زور بر او تحمیل می‌شود، احترام بگذارد و "دورکیم" نیز معتقد است مجازات نقش مفیدی ندارد و تنها در موارد معدودی ممکن است به طور مستقیم در تنبیه مقصر یا ارباب دیگران موثر واقع شود. در یک دیدگاه کلی می‌توان گفت که زندان تاثیرات عینی و ذهنی منفی روی زندانیان دارد. تاثیرات عینی شامل زمینه‌ی خانواده‌گی، اشتغال، بی‌کاری، آموزش و یادگیری فنون ارتکاب جرم و سبب باشند. تاثیرات ذهنی منفی نیز شامل تصور زندانی از مدیریت زندان، توجیه‌گرایی برای جرم انجام شده، دیدگاه او نسبت به دستگاه قضایی، دیدگاه او نسبت به قانون خانواده و... می‌شود.

توضیح این که از هم گسیخته‌گی خانواده‌گی به صورت طلاق، بی‌سرپرستی، دوری از خانواده، فقدان همانند سازی لازم با خانواده، عدم پذیرش و طرد شدن از خانواده و... در خانواده‌های زندانیان جلوه‌گر می‌گردد. علاوه بر موارد یاد شده ورود به زندان منجر به تغییر در منافع و هزینه‌ها می‌شود. زندانیان با از دست دادن شغل خود باعث پایین آمدن سطح زندگی خویش می‌شوند و احتمال به دست آوردن شغل مناسب بعد از آزادی از زندان کاهش می‌یابد و در نتیجه سبب از دست دادن ابزار مشروع کسب می‌شود. آموزش و یادگیری فنون ارتکاب جرم و نیز یادگیری میل جرم و افزایش کیفیت و کمیت جرم از سوی مجرم از جمله

قوه قضائیه‌ای قوه‌ای مستقل است که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسوول تحقق بخشیدن به عدالت، موظف به کشف جرم، تعقیب، مجازات و تعبر مجرم برای حدود و مقررات مدون جزایی است. همچنین باید اقدام مناسب برای پیش‌گیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان را انجام دهد. یکی از وظایف قوه قضائیه مجازات مجرمان است و در حال حاضر زندان مهم‌ترین مجازات جرایم متفاوت به شمار می‌رود. بنابراین درک تاثیر زندان بر زندانی و کارکرد آن به عنوان یک مجازات در دست‌یابی نهاد مورد نظر به اهداف خود بسیار مهم به نظر می‌رسد.

پرسش اساسی این است که برای پیش‌گیری و مجازات جرم، باید سقف مجازات را افزایش داد؟

مفهوم جرم و مجازات همواره مترادف یک دیگر هستند. به گونه‌ای که تعریف جرم بدون مجازات مربوط به آن و به عکس عملی نمی‌باشد. شیوه مجازات با گذر زمان و طول تاریخ تغییرات چشم‌گیری پیدا کرده است. در گذشته مجازات‌ها صورت‌های خشن‌تری در مقایسه با حال داشتند. امروزه مجازات حبس و سلب جایگزین شیوه‌های پیشین شده و به همین دلیل در دوران معاصر بر اهمیت زندان‌ها و نقش آنها در مجازات و پیش‌گیری از جرم افزوده شده است.

آیا مجازات زندان، همیشه می‌تواند مفید و موثر باشد؟

وجود مجازاتی در قالب حبس و زندانی کردن مجرم از دو طریق باعث پیش‌گیری از وقوع جرم می‌شود. نخست مجرم را از جامعه دور نگه می‌دارد و احتمالاً ارتکاب مجدد جرم را کاهش می‌دهد. دوم زندان سبب می‌شود که افراد پیش یا هنگام ارتکاب جرم نسبت به عواقب آن حساب‌گری نمایند و از ترس عواقب از انجام آن عمل منصرف شوند.

اما پرسشی که در این جا مطرح می‌شود این است که آیا برای پیش‌گیری بیشتر از جرم باید سقف مجازات را افزایش داد و یا به عبارت دیگر آیا مجازات زندان همیشه می‌تواند مفید واقع شود؟ و در نهایت این که زندان چه تاثیر منفی می‌تواند روی زندانیان داشته باشد؟ تحقیقات مختلفی در این زمینه نشان می‌دهد که بین مقدار نتایج منفی مجازات و میزان جرم رابطه‌ی خطی برقرار نیست. به عبارت دیگر

آیا زندان تنها راه تنبیه یا مجازات مجرم است؟



دیگر اثرات منفی زندان است و در این مورد "آرنولد وهاگان" به ضرب المظنی اشاره می کند. می گوید "زندان آموزشگاه تبه کاری است" زندان تأثیر مثبتی ندارد و می تواند در گسترش انحرافات نیز موثر واقع شود. زمانی که ما شخصی را که برای اولین بار به یک رفتار انحرافی دست زده است به زندان می اندازیم، او را در واقع وارد یک شبکه از روابط اجتماعی منحرفان می کنیم که در میان آنها رفتار انحرافی تشدید و تشویق می شود، زیرا زندانیان به تدریج با یک دیگر روابط اجتماعی برقرار می کنند و درباره خصوصیات زندگی خود، کارهایی که کرده اند، علت دست گیری و برنامه ی آینده با هم دیگر صحبت می کنند. از این طریق به تدریج در میان آن ها روابط اجتماعی به وجود می آید که مانند هر رابطه ی اجتماعی دیگری، در درون خود دارای یک مجموعه از قواعد و هنجارهای خاص خواهد بود و طی آن در افراد یک نوع احساس رعایت برتری بر دیگران به وجود می آید. بدین معنا که شخصی که دست به کارهای خطرناک و جسورانه زده است از شجاعت بیشتر برخوردار است و خود را نسبت به دیگران برتر می پندارد. از این طریق در میان افراد نسبت به توانایی ها و سابقه ی انحرافات، یک نوع سلسله مراتب و نوعی هنجار و مقیاس ارزشی به وجود می آید.

حال وقتی شخص جدیدی وارد این شبکه ی روابط اجتماعی می شود، مایل است با دیگران رابطه داشته باشد و از جانب دیگران پذیرفته شود. در نتیجه او هنجار مقیاس های ارزشی زندانیان را می پذیرد، خود را با آنها مقایسه می کند و مایل است از جانب آن ها تشویق شود. این مسئله با نحوه طبقه بندی مجرمان بر اساس مدت حبس ارتباط تنگاتنگی دارد. عده ای از زندانیان به علت آشنایی با جرایم دیگر به سوی آن ها گرایش پیدا می کنند و در این زمینه جرایم مالی و سرعت بیشترین جاذبه را برای مجرمان دارد. از دیدگاه مذکور در مجموع زندان بدترین تأثیر آموزش خود را بر مجرمان بی تجربه و تازه کار بر جای می گذارد. اولین اثر زندان در هزینه ی ارتکاب جرم، کاهش تأثیر حبس به عنوان مجازات در امر باز دارنده کی فرد از ارتکاب جرم جدید می باشد. تغییر در ارزش های اجتماعی و یادگیری شیوه های توجیه از دیگران تأثیری است که هزینه ی مجازات را کاهش می دهد.

یکی دیگر از تأثیر های سوء زندان تغییر نگرش زندانی نسبت به آیین و دستگاه قضایی است.

"مولم" و همکارانش در تحقیقات خود نشان دادند که استراتژی توبیخ به طور معنی داری بیشتر به عنوان یک رفتار ناجوان مردانه احساس می شود یعنی در سطح مجازات فرد خاطلی او از مسولان مربوطه می رنجد و کار آن ها را به عنوان کاری نامردانه ارزیابی می کند. از این رو تأثیر این توبیخ آن قدر زیاد نخواهد بود.

به زیر سوال رفتن مشروعیت دستگاه قضایی یکی از زمینه هایی است که بر احتمال قانون شکنی و ارتکاب جرم مجرم می افزاید. طرد اجتماعی یکی از اصلی ترین هزینه های مجازات زندان است. از این رو در صورت واقع شدن آن، این هزینه ی مجازات برای ارتکاب مجدد جرم به شدت کاهش

می یابد زیرا فرد در اولین مجازات خود تا حدود زیادی این هزینه ی طرد را تحمل کرده است.

با توجه به مطالب ارائه شده می توان گفت بدبختانه زندان بیش از آن که مشکلات اخلاقی، اجتماعی، روانی و اقتصادی را حل کند هم چنان بر این مشکلات می افزاید. اعلاء حیثیت در عمل به سرخورده گی و یاس و طغیان در جامعه ختم می شود. آن چه مسلم است امروزه ضرورت مجازات جرم هم چنان باقی است اما اگر واقعاً ضروری است نباید برای اعمال آن حقوق مسلم انسانی زیر پا گذاشته شود. مهم تر این که مجازات باید متناسب با جرم و میزان تقصیر مجرم در وقوع آن باشد هر چه قدر که این تصور جنبه آزادی دارد اما باید در جست و جوی راه حلی منطقی بود و جرم و پیامدهای آن را با در نظر گرفتن قربانی شدن مجرم در اثر اعمال مجازات بررسی کرد. در عصر حاضر نظام های قضایی و کیفری باید کامل تر و امروزی شود تا حکومت ها و اعمال آن ها به گونه ای باشد که اعتماد زندانی به او باز گردد. برای ایفای نقشی سازنده و مفید در جامعه آماده شود. زندان باید آخرین چاره باشد، آن هم برای کسانی که تهدید آشکاری برای اجتماع هستند.

اکنون در بسیاری از نظام های جزایی جانشین های گوناگون برای محکومیت به حبس در نظر گرفته شده است. از جمله بازداشت در منزل، آزادی محدود، سفر با مجوز و دیگر شکل های بازداشت ناپیوسته، مجازات تعلیقی که دامنه ی آن از حبس تعلیقی تا عفو مشروط و طیف گسترده ای از اقدام های تعلیقی، آزادی تعلیقی، و مشروط را در بر می گیرد. جانشین هایی برای محکومیت های توقیفی که هم به سود خلاف کار است و هم به سود جامعه، اجرای طرح خدمت به جامعه به جای رفتن به زندان، استفاده از مدارهای الکترونیکی به عنوان زنجیرهای نامرئی نشان می دهد که انسان در قرن حاضر در کیفر شناسی علمی خود به دنبال راه هایی می گردد که در آن اثری از زندان دیده نمی شود و مجرم نیز به مجازات می رسد و هزینه های جرم و مجازات نیز به حداقل کاهش می یابد.

پژوهش برای یافتن جانشین هایی برای حبس، نارسایی های سازمان زندان ها را جبران نمی کند. تعداد زیادی هستند که محکوم نشده اند اما آن ها را برای بازجویی تا تکمیل پرونده جهت تشکیل دادگاه و صدور حکم در بازداشت نگاه داشته اند. این گونه زندانیان از لحاظ نظری تا زمانی که جرم شان ثابت نشده بی گناه به شمار می آیند، اما تجربه ی آن ها از زندگی در زندان واقعاً تفاوتی با بزه کاران محکوم ندارد. برای این گونه افراد باید روش های دیگری غیر از بازداشت پیدا شود که در عین حال حضورشان را در دادگاه تضمین کند. بعضی از این روشها مانند قوانین سرپرستی اجباری، تسلیم مدارک ویژه و وثیقه هم اکنون وجود دارد. قضات باید این گونه کارها را هم چون جانشین هایی برای زندان تشویق کنند.

اگر زندان چاره ساز بود، دیگر نباید خلافی در جهان وجود داشت

